

یادداشت

ناصر تقوایی انزوا را انتخاب کرد

احمد طالبی‌نژاد

منتقد

نمی‌گویم از دست رفتن ناصر تقوایی زود بود؛ او هم به لحاظ سن‌وسال و هم شرایط زیستی، عمرش نسبتاً کافی بود؛ اما این افسوس برای ما می‌ماند که وقتی ناصر تقوایی هنوز قدرت خلق‌کردن داشت، به هزار و یک دلیل که بخشی از آن به خودش برمی‌گشت، بخشی دیگر به شرایط اقتصادی سینما مربوط می‌شد و بخش دیگر به ممیزی‌های بیپهوده‌ای که آدم را از پا درمی‌آورد، متأسفانه تقوایی انزوا را انتخاب کرد و ترجیح داد به قول خودش فیلم بد نسازد. فیلم بد از نظر او، فیلمی بود که سناریو را بنویسی و دیگران تغییرش بدهند و مجبور شوی سناریوی دیگران را بسازی. تقوایی حداقل در ۲۰ سال اخیر به شکلی منزوی شده بود و به لحاظ جسمانی حال و روز خوبی نداشت؛ اما می‌شد شرایطی فراهم شود که ناصر تقوایی فیلم بسازد؛ چراکه به قول خودش کشوی میزش پر بود از فیلم‌نامه‌های آماده ساخت، به تعبیر یکی از دوستان در سال‌های دور که می‌گفت «فیلم‌نامه‌های تقوایی دم دکوپاژ است»، یعنی فقط کافی بود کارگردان دیگری با خودش روی صندلی کارگردانی بنشیند و همان‌جا درجا میزانشن‌هایی را که نوشته شده‌اند، اجرا کند. ناصر تقوایی بسیار دقیق بود. خاطره دقت و وسواس او را سر ساخت فیلم «ای ایران» شنیده‌ایم که حین فیلم‌برداری آن فیلم هم بین او و تهیه‌کننده متأسفانه درگیری‌هایی اتفاق افتاد و یک‌عده پادرمیانی کردند و آن فیلم بالاخره جمع‌وجور شد. گرچه به اعتقاد من «ای ایران» فیلم خوب او نیست و می‌توانست فیلم بهتری بسازد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کار تقوایی، این بود که از همان ابتدا روی مقوله اقتباس کار کرد؛ مثلاً در نخستین فیلم بلندش، «آرامش در حضور دیگران» که اقتباسی است از یکی از داستان‌های دکتر ساعدی از کتاب «واهمه‌های بی‌نام‌ونشان»، همان فضای پررمز و راز و مرموزی را که در داستان ساعدی وجود دارد، ناصر تقوایی به‌درستی در فیلم منعکس کرده است. واقعیت این است که ناصر تقوایی در زمینه اقتباس به مقام استادی رسید و به‌راحتی می‌توانست یک داستان اروپایی شرقی را بردارد و آن را تبدیل به یک داستان ایرانی کند. مثل فیلم «نفرین» که در جنوب ایران اتفاق می‌افتد یا «ناخدا خورشید» که اقتباسی از کتاب «بودن یا نبودن» همینگوی بود که نسخه فیلم ناصر تقوایی یک سر و گردن حتی از داستان خود همینگوی هم بالاتر است. این فیلم، یک فیلم کاملاً بومی است و اگر در تیتراژ اسم اقتباس را نمی‌برد، عملاً می‌شد به‌عنوان یک داستان ایرانی با آن برخورد کرد. بسیار در نوشتن و در کارگردانی استاد بود و هم‌زمان آموخته‌هایش را بسیار خوب به هنرجویانش آموزش می‌داد. واقعیت امر این است که سال‌های زیادی از عمرش بی‌حاصل گذشت. این بی‌حاصلی، بخشی مربوط به خودش بود و بخش زیادی از آن مربوط می‌شد به شرایطی که برایش ایجاد کردند. کمتر تهیه‌کننده‌ای حاضر بود به ناصر تقوایی پول بدهد که فیلم بسازد و ساخت فیلم او ممکن بود یک سال یا بیشتر زمان ببرد. یا در فضایی که امروز بر سینمای ایران حاکم شده است که صد رحمت به فیلمسازی‌های قدیم، در چنین شرایطی تقوایی نمی‌توانست کار کند و اهل این فضاها نبود. ممکن بود اگر شرایط مسازری را ادامه می‌داد، فیلم‌هایش مخاطب زیاد نداشته باشد. باین‌حال، به یاد داشته باشیم در همه جای دنیا کسانی که به مقام استادی می‌رسند و مقام ارزشمندی در عرصه هنر پیدا می‌کنند، از سوی حکومت، دولت یا نهادهای فرهنگی مستقل حمایت می‌شوند؛ برای اینکه آنها فقط اثرشان را خلق کنند؛ چراکه این قبیل آثار نکات آموزشی در ذات خودشان دارند که جوان‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. من یقین دارم تقوایی فقط در کلاس‌هایش با گفتار چیزی به بچه‌ها یاد نمی‌داد، او با رفتار، گفتار و تجربیاتش در زمینه نوشتن و فیلم‌سازی شانی فراتر از یک معلم و مدرس برای خودش ساخته بود و هنرجویانش از آن استفاده می‌کردند.

در گفت‌وگویی که با هم داشتیم، این‌ خاطره را برای من تعریف کرد که یک روز با او تماس می‌گیرند که بیا و سریال کوچک جنگی را بساز؛ یعنی به‌نوعی از او دعوت به کار می‌شود. بعد از اینکه برای صحبت می‌رود، در میان صحبت‌ها به این نکته اشاره کرده است که چیزی را که آنها می‌خواستند حاضر نبوده بسازد. در همان جلسه به ناصر تقوایی یادآور می‌شوند که یادت باشد شما «دایی‌جان ناپلئون» را ساختی و بابت ساخت چنین اثری سرزنش شده بود. آقای تقوایی جواب داده بود: «برای اینکه من «دایی‌جان ناپلئون» را ساختم نوع‌نم کردید که کوچک جنگلی را بسازم» و واقعاً چنین موقعیتی داشت. من حاضرم تمامی فیلم‌های تقوایی را برای چندمین بار ببینم و هر بار که می‌بینم، لذت تازه‌ای از تماشای آنها می‌برم و یک نکته جدید در آنها می‌بینم. بساز در گفت‌وگویی که درباره «کاغذ بی‌خط» با هم داشتیم، به نکته‌ای اشاره کرد که من به منتقدان و کسانی که می‌خواهند درباره او بنویسند، پیشنهاد می‌کنم فیلم‌های ناصر تقوایی را دو بار ببینند. این نکته‌ای است که خودش هم در گفت‌وگویی که با او داشتیم، اشاره کرد. این نکته مهمی است. واقعیت این است که عمقی در فیلم‌هایش هست درست مثل آثار داریوش مهرجویی که نگرش فلسفی در آنها دیده می‌شود. این فیلم‌ها برای مخاطب عادی هم لذت‌بخش است. ولی مفاهیم و معناهایی در ذات این آثار هست که نیاز به کشف و تلاش بیشتری دارد. در نهایت این حسرت برای همه ما و برای صنعت و هنر سینمای ایران ماند که چرا ناصر تقوایی سال‌های زیادی از عمرش را نتوانست فیلم بسازد.

خبر

«خرگوش سیاه، خرگوش سفید» شهرام مکرری در جشنواره فیلم سنگاپور

فیلم «خرگوش سیاه، خرگوش سفید» ساخته شهرام مکرری در سی‌وششمین جشنواره فیلم سنگاپور در بخش مسابقه اصلی حضور خواهد داشت. این جشنواره در ۲۸ نوامبر تا ۸ دسامبر در سنگاپور برگزار می‌شود و «خرگوش سیاه، خرگوش سفید» برای دریافت جوایز بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر با ۹ فیلم دیگر رقابت خواهد کرد. شهرام مکرری این روزها با «خرگوش سیاه، خرگوش سفید» در بخش مسابقه جشنواره فیلم لندن حضور دارد و پس از آن فیلم در بخش مسابقه جشنواره شیکاگو به نمایش در خواهد آمد.

«خرگوش سیاه، خرگوش سفید» با نویسندگی نسیم احمدپور و شهرام مکرری، تهیه‌کنندگی نگار اسکندرفر و بازی بابک کریمی و هستی محمایی، در تاجیکستان فیلم‌برداری شده و بازیگرانی از ایران و تاجیکستان در آن حضور دارند. کبریا دیلوبووا و بزین داولیاتوف از دیگر بازیگران اصلی این فیلم هستند. این فیلم که به عنوان نماینده تاجیکستان در جایزه اسکار حضور خواهد داشت، فیلمی معمولی است و داستان زنی را روایت می‌کند که پس از یک تصادف درمی‌یابد واقعیات اطرافش دستخوش تغییر شده و حال‌وهوایی رازآلود و نامتعارف پیدا کرده است.



ناصر تقوایی

ناصر تقوایی، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس یگانه سینمای ایران در ۸۴سالگی درگذشت

دشواری زیست شریفانه



بهناز شیرینباری

زندگی هنری‌اش، جز از ذوق و سلیقه شخصی خود تبعیت نکرد. فیلم‌هایش را آن‌گونه ساخت که خود می‌پسندید. داستان‌هایش را چنان نوشت که رضایت خاطرش را فراهم آورد و عکس‌هایش را نیز براساس همان معیارهایی برداشت که از سلیقه خاص و وسواس‌گونه هنری‌اش برمی‌آمد. در برابر توقیف نخستین فیلمش، آرامش در حضور دیگران (۱۳۴۹)، سر فرود نیاورد و ترجیح داد چند سالی صبر پیشه کند تا موقعیت چندروزه‌ای برای نمایش آن فراهم شود. زیر بار ساخت مجموعه‌هایی چون «کوچک جنگلی» یا فیلم‌های «جای تلخ» و «زنکی و رومی»، به سفارش یا اقتضای روز، نرفت؛ و وقتی موضوع بازنشر برخی از داستان‌هایش مطرح شد، به‌هیچ‌وجه نپذیرفت که حتی کلمه‌ای از آن داستان‌ها حذف شود.

اگر تقوایی به مصالحه با شرایط تن می‌داد و از آن وسواس هنری‌اش قدردی فاصله می‌گرفت، بی‌تردید کارنامه پرچم‌تری از خود به جا می‌گذاشت؛ اما در نگاه او، «پرباری» با کثرت آثار تعریف نمی‌شد. آنچه مایه احترام پایدار مخاطبانش شد، این بود که آثارش را همواره در طراز رضایت درونی خویش آفرید. او ترجیح می‌داد استعداد و خلاقیتش –اگر در خانه بماند و کار نکند– به «کار بد» آلوده نشود. این چنین بود که به انتظارات «دیگران» گردن ننهاده و اگر در سال‌های طولانی فیلمی نساخت، از آن رو بود که نخواست به آنچه اعتقاد نداشت، تن دهد. در حقیقت، تقوایی واندا؛ نه به مخاطب، نه به بازار، نه به مصلحت. از دیگر خصایل شریف تقوایی، بی‌میلی‌اش به دخالت در کار دیگران بود. در تابستان ۱۳۶۷، هنگامی که قصد خود را درباره تألیف کتابی درباره‌اش با او در میان نهادم، به‌روشنی دریافتم که هیچ تمایلی نداشت که در روند تألیف کتاب، مداخله‌ای، توصیه یا اظهار نظری، داشته باشد. این خصیصه، از جمله خصلت‌های ستودنی او بود؛ عادت‌ی نادر، خاصه در میان اهالی سینما.

انسان کامل

باشار نورایی (منتقد): ناصر تقوایی را با دو خصیصه عمده به یاد می‌آورم: مقاومت و کمال‌گرایی. خوب که می‌نگرم، شخصیت‌های آثار سینمایی‌اش هم با انتظار برای تغییر، ترسیم و معنی می‌شوند؛ از انتظار سرهنگ در «آرامش در حضور دیگران» تا انتظار رویا در «کاغذ بی‌خط»، یک رکه معنایی در موقعیت شخصیت‌های آثارش هست که با کوشش برای خروج از موقعیتی که در آن قرار گرفته‌اند پدیدار می‌شود. آدم‌های آثارش یا در خیال دست‌یافتن به موقعیت‌های بهتر گذشته‌اند یا با مقاومت علیه شرایطی که به آنها تحمیل شده، می‌خواهند آینده‌ای روشن‌تر بسازند. این مقاومت و تلاش، گاه ابعاد حماسی می‌یابد (همچون فیلم‌نامه «کوچک جنگلی») و گاه در فضایی محدودتر مانند «کاغذ بی‌خط» هویت فردی و خیال‌ورزی شخصی پیدا می‌کند. در هر حالت در تمام آثاری که تقوایی نوشته و ساخته و حتی عکس‌هایی که گرفته، نوعی کمال‌گرایی دیده می‌شود که در برابر بدی‌های یک فرهنگ می‌ایستد؛ از سازگاری با اوضاع و تقلیل خویشتن به کمتر از آنچه مطلوب است، دوری می‌کند تا فردیت از او گرفته نشود. از همان فیلم‌های مستندی که قبل ساخته‌شدن اولین فیلم بلندش کارگردانی کرده، در عین ثبت آداب و رسوم و خلقیات مردمان، جنبه‌های بهترشدن و تغییر را می‌توان شناخت که به شکل ضمنی، تعلق او به بهترشدن را هم در اندیشه و هم در نگاه نشان می‌دهد. در فرهنگی که به رنگ زمانه درآمدن و سازش، فضیلت به حساب می‌آید، طبیعی است که تقوایی به عنوان یک فیلم‌ساز صاحب اندیشه، مدام از جریان غالب دوری و جوید و همان نگاه رایج

نگاه

پیام‌هایی در بی‌درگذشت ناصر تقوایی
بیانیه انجمن تهیه‌کنندگان مستقل سینمای ایران
به‌مناسبت درگذشت استاد ناصر تقوایی
استاد ناصر تقوایی، سینماگر خلاق و مؤلف ایران، هم‌زمان با سالگرد استاد دیگر سینما، داریوش مهرجویی، چهره در نقاب خاک کشید.

او که بیش از نیم‌قرن سینماگری کامل و سینمایش سینمای تراز ایران بود، در طول حیات پربارش توانست سینمای ملی ایران را زباند کند و هرگاه از آبشخور زیست‌بوم فرهنگی‌اش نوشت یا ساخت، مرزهای دقت و خلاقت هنری و روایت در سینمای ایران را جابه‌جا کرد.

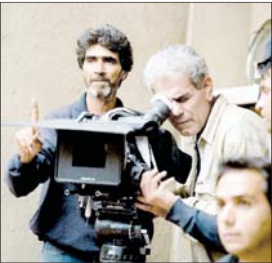
او یکی از مهم‌ترین استوانه‌های موج نوی سینمای ایران بود که ریشه در فرهنگ بومی ملی داشت.

ناصر تقوایی، متولد ۱۳۲۰ در آبادان، بود که روز گذشته در تهران جهانش را عوض کرد.

از آثار ماندگار او می‌توان به فیلم‌های «ناخدا خورشید»، «آرامش در حضور دیگران»، «کاغذ بی‌خط» و مجموعه تلویزیونی «دایی‌جان ناپلئون» اشاره کرد.

او سال‌ها به دلیل بیماری از فضای عمومی و فعالیت سینمایی دور بود، اما نامش همچنان با اعتبار، دقت و نثر ادبی در فیلم‌نامه‌نویسی کره خورده است.

انجمن تهیه‌کنندگان مستقل سینمای ایران، فقدان این سینماگر بزرگ و عضو خود را به خانواده ایشان و به‌ویژه سرکار خانم وفامهر، سینمای ایران، فرهنگ‌دوستان ایران‌زمین و مردم آبادان تسلیت می‌گوید.



همچنین خانه سینما در پی درگذشت «ناصر تقوایی» متنی را به شرح زیر منتشر کرده است: «چراغ‌ها که خاموش می‌شوند، راه چگونه است؟ شاید راه همان زرف خود، ناصر تقوایی» آن را آزمود؛ «سکوت و شرافت» اما برای ما سکوت او سخن می‌گوید: از رنج هنرمندی و از رنج هنرمندان برای ما اما شرافت او معیار است. باشد که همچنان راوی صادق قصه‌های این سرزمین باشیم. او خاموش شد اما سخن او، منش او و تا به ابد شرافت هنرمندانه او راهنمای ما خواهد بود. خانه سینما –جامعه اصناف سینمای ایران– در سوگ بزرگمرد سینما و ادبیات ایران همراه خانواده ارجمند و دوست‌داران و شاگردان اوست.

انجمن منتقدان سینما نیز کوچ استاد ناصر تقوایی، سینماگر ارزشمند و روشن‌فکر بزرگ سینمای ایران را تسلیت گفت.

در این متن آمده است: «استاد تقوایی نه‌تنها فیلم‌ساز برجسته‌ای بود، بلکه را نگاه ژرف خود، انسان و جامعه را در قاب‌های سینمایی به تصویر کشید و آثارش میراثی گران‌بها برای سینمای ایران و جهان بر جای گذاشت. آثار او، نه‌تنها تصویر، بلکه احساس، تاریخ و وجدان زمانه را در خود جای داده‌اند. کوچ او، هرچند تلخ و پر از فقدان است، پایان نیست؛ نوری است که در تاریخ سینما خاموش نمی‌شود. نگاه و آثار او، حتی پس از رفتش، همچنان بر قاب‌های زندگی و سینما سایه می‌اندازد و ما را وادار به دیدن حقیقت می‌کند. این سال‌ها به تقوایی بسیار جفا شد. نخواستند و نگذاشتند فیلم بسازد و او شریف‌تر و نجیب‌تر از آن بود که سر خم کند. سرو بلند قامتی بود که روی سینما، هنر و فرهنگ ایرانی سایه می‌گسترده.

انجمن منتقدان سینما این فقدان عظیم را به خانواده، شاگردان و تمامی دوست‌داران سینمای ایران تسلیت می‌گوید و میراث ناصر تقوایی را جاودانه و چراغ راه ادامه مسیر سینما می‌داند.»